

از: حسن جنابی

# پژوهشی در مورد علل گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد، بعد از انقلاب اسلامی در تهران

آموزش متوسطه نظری، در نظام جدید آموزش و پرورش به چهار رشته «علوم تجربی»، «علوم ریاضی و فیزیک»، «فرهنگ و ادب» و «اقتصاد اجتماعی» تقسیم گردیده است که دانش آموزان پس از طی دوره راهنمایی تحصیلی با توجه به نمره دروس دوره راهنمایی، در یکی از رشته های فوق ثبت نام به عمل می آورند.

لازم به تذکر است که در سال اول آموزش متوسطه نظری، رشته های تحصیلی به دو شاخه عمومی شامل «علوم تجربی و ریاضی» و «علوم انسانی» تقسیم می شوند که پس از پایان سال اول، هر یک از دو شاخه فوق به دو رشته اختصاصی تقسیم می گردند. به این ترتیب که شاخه علوم تجربی و ریاضی به دو رشته: (علوم تجربی) و (فیزیک و ریاضی) و شاخه علوم انسانی به دو رشته: (فرهنگ و ادب) و (اقتصاد اجتماعی) تقسیم می گردند.

با توجه به جدول شماره یک مربوط به آمار استخراج شده از دفتر هماهنگی طرح و برنامه ریزی توسعه وزارت آموزش و پرورش، این واقعیت آشکار می گردد که گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد نسبت به سایر رشته ها،

بعد از انقلاب اسلامی رو به افزایش بوده به طوری که این میزان در سال تحصیلی ۶۲ - ۱۳۶۱ نزدیک به ۵۰ درصد کل دانش آموزان آموزش متوسطه نظری در کشور بوده است. همچنین این جدول گویای این امر می باشد که درصد گرایش به رشته های مختلف قبل از انقلاب اسلامی تقریباً نزدیک به هم بوده و چندان تفاوت کمی نسبت به یکدیگر نداشته اند. ولی بعد از انقلاب، گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد نسبت به سایر رشته ها افزایش چشم گیری داشته است. به این معنی که تعداد دانش آموزان رشته اقتصاد از ۴۷۱۲۹ نفر که شامل ۳۶ درصد دانش آموزان آموزش متوسطه نظری در سال تحصیلی ۵۷ - ۱۳۵۶ بوده، به ۴۲ درصد در سال تحصیلی ۵۸ - ۱۳۵۷ و در سال تحصیلی ۵۹ - ۱۳۵۸ به ۴۸ درصد افزایش یافته است. در سال تحصیلی ۶۰ - ۱۳۵۹ این رقم به ۵۳ درصد و در سال تحصیلی ۶۱ - ۱۳۶۰ در حدود ۵۲ درصد از دانش آموزان در رشته اقتصاد ثبت نام به عمل آورده اند؛ در حالی که گرایش به رشته های تحصیلی دیگر علاوه بر این که به این نسبت افزایش کمی نداشته اند بلکه در پاره ای موارد، در صد آنها نسبت به سالهای قبل کمتر شده است. با توجه به اینکه جامعه امروز ما نیاز به این همه فارغ التحصیل رشته اقتصاد نداشته و دانشگامها نیز قادر به جذب خیل فارغ التحصیلان رشته اقتصاد نمی باشند، چنین تغییرات کمی در گرایش دانش آموزان به رشته مذکور این سؤال را مطرح می سازد، که آیا گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد از روی هدف معین و به طور آگاهانه صورت گرفته است یا به علل دیگر؟

کشف این علت یا علل می تواند کمک مؤثری در شناخت عوامل مؤثر در گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد برای دست اندرکاران برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش باشد تا بر

اساس یافته های این تحقیق برای اصلاح وضع نظام آموزش متوسطه و هدایت جوانان به رشته های مورد نیاز با توجه به هدفهای نظام آموزش متوسطه اقدام نمایند.

تحقیق حاضر با توجه به مراتب بالا، جهت کشف عوامل مختلف مؤثر در گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد در شهر تهران انجام گرفته است که خلاصه ای از نتایج به دست آمده آن برای اطلاع خوانندگان درج می گردد. جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانش آموزان رشته اقتصاد مناطق بیست گانه شهر تهران بوده و گروه نمونه برای انجام این تحقیق و پر کردن پرسشنامه، ۱۵۷۲ نفر از دانش آموزان سالهای دوم و سوم و چهارم رشته اقتصاد ۵۸ باب کلاس از ۲۰ دبیرستان از مناطق مذکور می باشد.

برای تعیین عوامل مؤثر در گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد، پرسشنامه ای حاوی ۳۴ سؤال در زمینه عوامل مذکور و زمینه های دیگر طرح گردیده است که هر پرسش شامل ۵ جواب می باشد. این پرسشنامه طوری طرح گردیده است که هر عامل را در دو سؤال یا بیشتر مورد بررسی قرار می دهد.

## نتایج به دست آمده از تحقیق:

با توجه به بررسی پاسخهای داده شده توسط دانش آموزان مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل آنها، نتایج زیر در مورد تاثیر عوامل مختلف در گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد بدست آمده است:

۱- نیاوردن نمره حد نصاب در دوره راهنمایی در سایر رشته های تحصیلی: با توجه به پاسخهای داده شده توسط دانش آموزان مشخص می گردد که این عامل بیشترین تاثیر را بین عوامل دیگر در تعیین رشته اقتصاد داشته است. به طوری که از بررسی فراوانی



آمار دانش‌آموزان رشته‌های مختلف آموزش متوسطه نظری کل کشور از سال تحصیلی ۱۳۵۶ الی ۱۳۶۱ - مستخرج از نشریه آماری دفتر هماهنگی طرح و برنامه‌ریزی توسعه وزارت آموزش و پرورش

سال تحصیلی	سال اول				سال دوم				رتبه تحصیلی							
	علوم تجربی و ریاضی	علوم انسانی	جمع	رتبه	علوم تجربی و ریاضی	علوم انسانی	جمع	رتبه								
۱۳۵۶ - ۵۷	۶۳۶۷۴	۲۳	۸۲۸۲۲	۵۷	۱۴۷۵۱۶	۱۰۰	۲۱۷۲۸	۱۷	۲۳۶۷۷	۳۴	۱۷۲۰۷	۱۳	۲۷۱۲۹	۲۶	۱۲۹۷۶۱	۱۰۰
۱۳۵۷ - ۵۸	۶۳۰۱۲	۴۱	۹۱۵۸۴	۵۹	۱۵۲۵۹۶	۱۰۰	۱۶۸۲۴	۱۳/۵	۳۹۲۲۴	۳۱	۱۶۳۱۲	۱۳	۵۳۲۹۷	۴۲/۵	۱۲۵۶۹۷	۱۰۰
۱۳۵۸ - ۵۹	۷۳۲۲۷	۴۰	۱۱۲۰۶۰	۶۰	۱۸۵۴۰۷	۱۰۰	۱۷۶۲۰	۱۳	۲۱۲۵۵	۲۹	۱۳۸۸۵	۱۰	۶۷۲۳۶	۴۸	۱۴۰۱۹۶	۱۰۰
۱۳۵۹ - ۶۰	۱۱۹۵۴۷	۳۸	۱۸۷۴۹۸	۶۲	۳۰۳۲۸۵	۱۰۰	۱۶۹۵۰	۷	۷۸۳۱۱	۳۲	۲۱۲۲۳	۸	۱۳۰۲۲۳	۵۳	۲۴۴۷۰۷	۱۰۰
۱۳۶۰ - ۶۱	۱۰۰۶۳۷	۴۲	۱۲۹۳۵۵	۵۱	۲۴۹۸۲۲	۱۰۰	۱۴۰۵۲	۵	۹۰۷۰۴	۳۵	۲۱۷۲۱	۸	۱۲۶۲۲۱	۵۲	۲۶۲۶۹۹	۱۰۰

در این جدول آمار سالهای ۶۰-۱۳۵۹ و ۶۱-۱۳۶۰ استان خوزستان به علت وقوع جنگ درج نگردیده است.

علاقه بوده است و ۶۶ درصد آنها نسبت به اقتصاد بی علاقه بوده و اغلب این ۶۶ درصد یا از انتخاب رشته اقتصاد اظهار پشیمانی می‌کنند و یا علاقمند به تغییر رشته می‌باشند.

**۵- نداشتن مشاور تحصیلی دلسوز یا راهنمایی نشدن از طرف مشاوران:**  
در این مورد نیز تعداد ۹۰ درصد از دانش‌آموزان اظهار داشته‌اند که یا دارای مشاور تحصیلی نبوده‌اند و یا اگر مشاور داشته‌اند، از راهنمایی صحیح و دلسوزانه مشاوران برخوردار نگردیده‌اند که از این تعداد در حدود ۲۷ درصد از آنها در اثر نداشتن مشاور تحصیلی و راهنمایی نشدن صحیح به این رشته گرایش پیدا کرده‌اند.

**۶- فشرده بودن درسهادر اوایل پیروزی انقلاب در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷:**

فشرده بودن درسهادر اوایل پیروزی انقلاب در سال تحصیلی ۵۸-۱۳۵۷ عامل مؤثری بوده است در درس نخواندن دانش‌آموزان و نمره نیاوردن در رشته‌های علوم تجربی و

یکی دیگر از عوامل مهم و مؤثر در انتخاب رشته اقتصاد است.

البته دانش‌آموزان برای این که مورد ملامت و سرزنش قرار نگیرند از اقرار به اینکه رشته اقتصاد نسبت به سایر رشته‌ها آسان‌تر است، سر باز می‌زنند ولی با طرح سئوالهای مختلف و غیر مستقیم (حدود ۵ سئوال) معلوم گردید که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از دانش‌آموزان، رشته اقتصاد را نسبت به رشته‌های دیگر آسانتر می‌دانند. وقتی که از آنها به‌طور مستقیم سؤال گردید که تا چه میزان به خاطر آسان بودن رشته اقتصاد به آن گرایش پیدا کرده‌اند؟ در حدود ۱۲ درصد پاسخی زیاد و خیلی زیاد را علامت زده‌اند و حدود ۲۰٫۵ درصد نیز پاسخ متوسط را علامت زده‌اند که در جمع ۳۲ درصد به خاطر آسان بودن رشته اقتصاد به آن گرایش پیدا کرده‌اند.

**۴- علاقه داشتن به درس اقتصاد و مسایل اقتصادی جامعه:**

در مورد علاقه نیز باید گفت تعداد ۳۴ درصد دانش‌آموزانی که به رشته اقتصاد وارد شده‌اند در اثر

پاسخهای داده شده این نتیجه حاصل می‌شود که در حدود ۶۶ درصد از دانش‌آموزان در اثر نداشتن نمره حد نصاب در سایر رشته‌های تحصیلی به این رشته کشانده شده‌اند و فقط ۳۴ درصد از آنها در سایر رشته‌ها نمره حد نصاب آورده‌اند.

**۲- عدم آگاهی دانش‌آموزان نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی:**

با بررسی‌هایی که از پاسخهای داده شده به سئوالهای مربوط انجام گرفت، مشخص گردید که در حدود ۶۰ درصد از دانش‌آموزان نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی در دوران متوسطه یا اصلاً آشنایی نداشته یا اگر آشنایی داشته‌اند بسیار کم می‌باشد. این عدم آگاهی از سایر رشته‌های تحصیلی برای حدود ۴۰ درصد از دانش‌آموزان در تعیین رشته اقتصاد تأثیر زیاد داشته است که این تعداد در اثر ناآگاه بودن نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی به این رشته وارد شده‌اند.

**۳- تصور آسان بودن رشته اقتصاد نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی:**

تصور آسان بودن رشته اقتصاد نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی نیز

ریاضی که احتیاج به مطالعه و صرف وقت بیشتری دارد. به طوری که از بررسی پاسخهای داده شده این نتیجه حاصل می شود که ۲۶ درصد از دانش آموزان در اثر فشرده بودن دروس نتوانسته اند نمره حد نصاب در سایر رشته ها بیاورند.

#### ۷- کنکور شدن هنرستان:

کنکور شدن هنرستانها نیز کم و بیش در انتخاب رشته اقتصاد تأثیر داشته است. با توجه به بررسی پاسخ های داده شده به این سؤال معلوم گردید که تعداد ۱۶ درصد از دانش آموزان در اثر کنکور شدن هنرستانها نتوانسته اند به هنرستانها راه پیدا نموده و در نتیجه به رشته اقتصاد گرایش پیدا نموده اند.

#### ۸- بیسوادی والدین، فقر و گرفتاری های خانوادگی:

هشتمین عامل مؤثر در گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد بیسوادی والدین و فقر و گرفتاری خانوادگی می باشد که در حدود ۱۵ درصد از دانش آموزان در اثر بیسوادی والدین یا در اثر فقر و گرفتاری خانوادگی نتوانسته به رشته های دیگر به علت دربر گرفتن هزینه تحصیلی بیشتر یا در اثر گرفتاری که برای خانواده پیش آمده گرایش پیدا نمایند.

#### ۹- بسته شدن دانشگاهها:

بسته شدن دانشگاهها نیز عاملی بوده است که تعدادی در حدود ۱۰ درصد از دانش آموزان به خاطر آن بسته رشته اقتصاد گرایش پیدا کنند، زیرا فکر می کرده اند که رفتن به رشته های علوم تجربی و ریاضی، به علت این که ادامه تحصیل در این رشته ها غیر مقدور خواهد بود، بی فایده بوده و بهتر است با رفتن به رشته اقتصاد زودتر دیپلم گرفته و مشغول کار گردند.

#### ۱۰- نبودن رشته مورد علاقه دانش-

آموزان در محل سکونت یا پر بودن و جا نداشتن مدارس برای ثبت نام در رشته مورد علاقه:

نبودن رشته های مورد علاقه دانش آموزان در محل سکونت یا پر بودن و جا نداشتن مدارس برای ثبت نام نیز عاملی بوده است که برای تعداد ۱۰ تا ۱۵ درصد دانش آموزان در انتخاب رشته اقتصاد تأثیر داشته است و این عامل بیشتر در مناطق جنوبی تهران مصداق دارد.

#### ۱۱- توصیه دوستان و آشنایان و والدین:

در حدود ۵ تا ۱۰ درصد از دانش آموزان نیز در اثر توصیه دوستان و آشنایان و یا والدین خود به این رشته گرایش پیدا نموده اند، یعنی عامل توصیه آخرین عاملی است که کمترین تأثیر در انتخاب رشته اقتصاد دانش آموزان را داشته است.

#### پیشنهادهای

بنابر نتیجه به دست آمده از تحقیق معلوم گردید که عوامل مختلفی در تعیین رشته دانش آموزان تأثیر داشته است که در صفحات قبل به آنها اشاره شد.

با توجه به کشف عوامل مذکور آموزش و پرورش باید سعی نماید با اتخاذ تدابیری موانع مذکور را از بین برد و با هدایت دانش آموزان به رشته های مناسب، از گرایش بی رویه آنها به رشته اقتصاد جلوگیری نماید.

اقداماتی که آموزش و پرورش برای از بین بردن موانع مذکور می تواند انجام دهد به شرح زیر پیشنهاد می گردد:

#### الف- در مورد نیاوردن نمره حد نصاب در سایر رشته های تحصیلی:

آموزش و پرورش باید سعی نماید که مبنای انتخاب رشته تحصیلی را توسط دانش آموزان فقط براساس نمره دروسهای دوره راهنمایی قرار نداده، بلکه در کنار آن عوامل دیگری

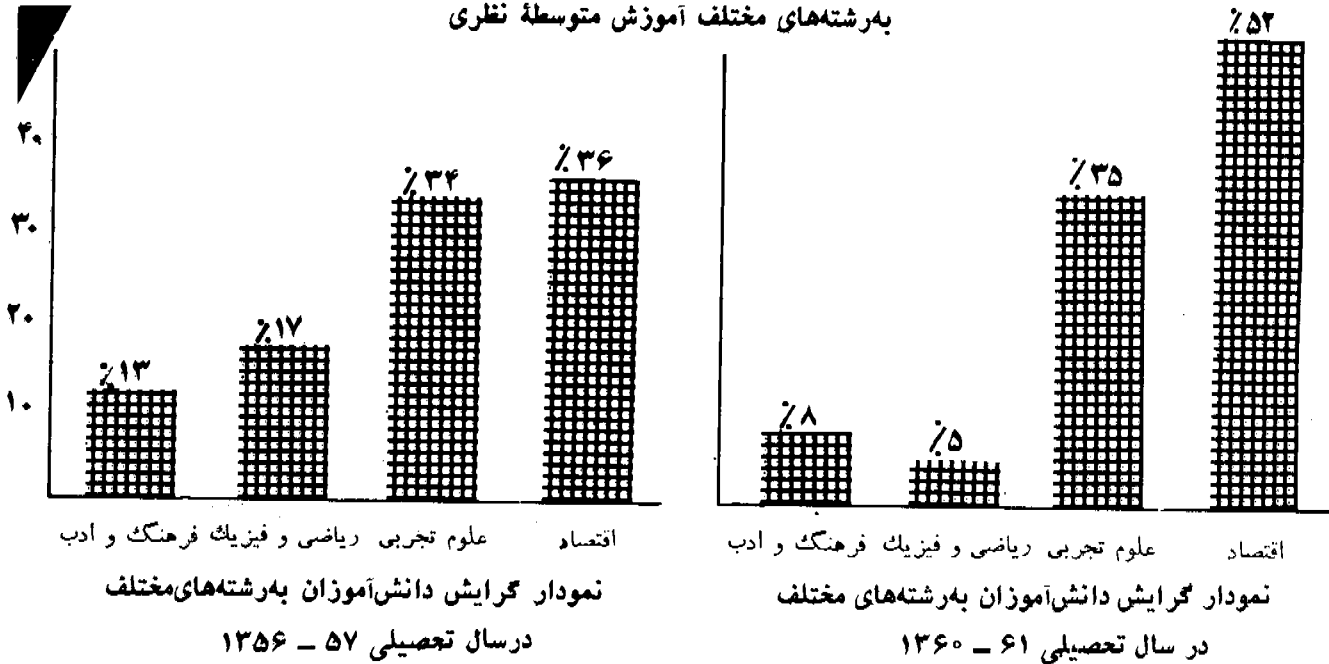
مثل استعدادها و علائق و نیاز جامعه را در نظر بگیرد. برای توفیق در این امر می تواند با به وجود آوردن يك تشکیلات صحیح مشاوره و راهنمایی در دوره اول دبیرستان، که همان دوره راهنمایی تحصیلی است، با کمک متخصصان روانشناسی و تربیتی، استعداد و علائق دانش آموزان را که از ذخائر ارزنده ملی محسوب می شوند کشف نموده و با توجه به احتیاجات اجتماعی و اقتصادی به رشته های مختلف هدایت نماید.

#### ب- عدم آگاهی دانش آموزان به سایر رشته های تحصیلی:

یکی دیگر از عوامل مهم مؤثر در گرایش دانش آموزان به رشته اقتصاد عدم آگاهی دانش آموزان به سایر رشته های تحصیلی بوده است که در بررسی پاسخها معلوم گردید که این عدم آگاهی نسبت به سایر رشته های تحصیلی باعث می گردد تا دانش آموز در انتخاب رشته خود مردد بوده و یا تحت تأثیر دوستان و افراد ناآگاه رشته خود را انتخاب نماید. وزارت آموزش و پرورش برای آگاهی دادن بیشتر به دانش آموزان و والدین نسبت به رشته های تحصیلی برای جلوگیری از گرایش دانش آموزان به رشته های غیر ضروری و نیاز جامعه به طریق زیر می تواند عمل نماید:

۱- استفاده از مشاوران تحصیلی در دوره راهنمایی، برای معرفی انواع مشاغل و آشنا کردن دانش آموزان با رشته های مختلف تحصیلی و تشریح نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه و تأکید بر روی شغل های مورد نیاز جامعه، آنها را از گرایش به رشته ها و مشاغلی که آینده ای ندارد و یا مورد نیاز جامعه نیست، امر بهتر است درسی را به عنوان مشاوره و راهنمایی مشاغل در مقطع راهنمایی تحصیلی در نظر گرفته و ساعاتی از جلسات درس به آن اختصاص داده شود.

مقایسه نمودار گرایش دانش‌آموزان در سالهای قبل و بعد از انقلاب  
به رشته‌های مختلف آموزش متوسطه نظری



حق‌التدریس استخدام کرده‌ایم و دانش‌آموزان مشغول درس خواندن هستند.

علاوه بر کوشش جهت جذب دبیران مجرب برای مناطق محروم، آموزش و پرورش باید توجه بیشتری به مناطق جنوب‌شهرکند و با اختصاص دادن بودجه بیشتر به این مناطق نسبت به دایر کردن رشته‌های علوم تجربی و ریاضی و رشته‌های مورد علاقه دانش‌آموزان - با توجه به نیاز جامعه - و تهیه وسایل و امکانات آموزشی اقدام نماید.

دایر کردن رشته‌های مورد علاقه به اندازه نیاز جامعه در هر محل، مخصوصاً مناطق دور افتاده باعث خواهد شد که علاوه از خودداری دانش‌آموزان از رفتن به رشته‌های غیر ضروری، کمک مؤثری نیز به افرادی باشد که از لحاظ فقر خانوادگی در مضیقه بوده و برای جلوگیری از هزینه زیاد رفت و آمد به نقاط دورتر از محل سکونت، مجبور به گرایش به رشته اقتصاد شده‌اند، باشد.



می‌توانند نسبت به ارشاد فرزندان خود در جهت انتخاب رشته متمرکز واقع گردند.

**ج- یکی دیگر از عوامل مؤثر در گرایش دانش‌آموزان نبودن مدارس به اندازه کافی در رشته‌های علوم تجربی و ریاضی و کمبود امکانات آموزش از قبیل نبودن آزمایشگاه علوم و وسایل آزمایشگاهی و دبیران مجرب می‌باشد.**

این امر همان‌طور که در صفحات قبل مطرح شد بیشتر در مناطق جنوبی تهران مثل مناطق ۱۸ و ۱۹ به چشم می‌خورد، به طوری که این مناطق علاوه بر این که فاقد دبیرستانهای رشته‌های علوم به اندازه کافی می‌باشند، فاقد آزمایشگاه مجهز و وسایل آزمایشگاهی و مهمتر از همه دبیران مجرب در این رشته‌ها هستند. به‌طور مثال در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۲ که مشغول اجرای پر کردن پرسشنامه در یکی از دبیرستانهای منطقه ۱۸ بودیم، مدیر دبیرستان اظهار داشت که تا یک ماه قبل ما دبیر رشته اقتصاد برای دانش‌آموزان سال اول نداشتیم و تازه یک ماه است که یک نفر دبیر به صورت

۲- به وسیله تهیه و تدارک برنامه‌هایی به صورت سخنرانی و یا فیلم در رادیو و تلویزیون نسبت به آگاهی خانواده‌ها در امر رشته‌های تحصیلی و دورنمای توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیازهای جامعه در رابطه با رشته‌های تحصیلی اقدام نماید. این امر باعث می‌شود علاوه بر این که خانواده‌ها را نسبت به مسایل اقتصادی و اجتماعی جامعه و رشته‌های مختلف تحصیلی آشنا می‌سازد، از فشار وارد آوردن والدین به فرزندان خود برای انتخاب رشته‌ای که آینده‌ای ندارد جلوگیری بعمل می‌آورد. در ضمن با انجام اقدامات بالا و با آگاه شدن دانش‌آموزان و والدین نسبت به رشته‌های مختلف تحصیلی و نیازهای اقتصادی و اجتماعی و مشاغل مختلف، دیگر دانش‌آموز تحت تأثیر دوستان و افراد ناوارد جهت انتخاب رشته تحصیلی قرار نگرفته و سعی می‌نماید که رشته خود را از روی آگاهی و راهنمایی که از طرف مشاوران و مسئولان آموزش و پرورش انجام گرفته انتخاب نماید. از طرف دیگر با اجرای برنامه‌های فوق والدین بیسواد نیز